

هفت C برای خلق تیمی برنده در کسب و کار، ورزش و زندگی

# بُرد شما از رختکن آغاز می‌شود

جان گوردون

نویسنده‌ی کتاب پر فروش «اتوبوس انرژی»

مایک اسمیت

سرمربی سابق آتلانتا فالکنز

ترجمه‌ی حمیده کارون



حق چاپ: ۱۳۹۷، انتشارات امرخنده

شماره ۱۷۸-۱۰۰-۸۲۳۷-۷۱-۶

ISBN 978-602-8237-71-6

در کوبه این کتاب همه از بازیکنان، مربیان، مدیران، کارکنان و طرفداران تیم‌های فوتبال حرف می‌زنند. این کتاب به شما کمک می‌کند تا در دنیای ورزش حرفه‌ای موفق شوید. این کتاب به شما کمک می‌کند تا در دنیای ورزش حرفه‌ای موفق شوید. این کتاب به شما کمک می‌کند تا در دنیای ورزش حرفه‌ای موفق شوید.

## پیشگفتار مترجم

بسیاری از گروه‌های خوب و توانمند را دیده‌ایم که برای کارهای بزرگ با ایده‌های ناب دور هم جمع شده‌اند و همه انتظار آن را داشته‌اند که بهترین‌ها را ارائه دهند؛ اما بعد از مدتی از هم پاشیده‌اند و اثری از تیم اولیه با آن همه استعداد و ایده‌های ریز و درشت باقی نمانده است.

می‌توان نتیجه گرفت که فقط با تکیه بر استعدادها و ایده‌های منحصربه‌فرد نمی‌توان همیشه برنده بود و در اوج ماند. گروه بد می‌تواند با اشتباه‌های بزرگ استعدادهای بزرگ را از بین ببرد؛ اما گروه خوب، گروه خوب مانند یک نهال برای رشد و بالندگی نیاز به مراقبت دارد. مراقبتی که هم درون گروهی باشد و هم برون گروهی.

مایک اسمیت و جان گوردون اینجا هستند تا تجربیات‌شان را در تیم‌داری و ساماندهی یک گروه در اختیار شما قرار دهند؛ اینکه مرحله به مرحله برای رشد و مراقبت از گروه، که هم باعث اعتلای گروه و هم شخصیت تک‌تک اعضای گروه شود، باید چه کارهایی انجام داد. آن‌ها برای خلق تیمی برنده در کسب‌وکار، ورزش و زندگی، هفت C و دو C بزرگ را که عامل محرک این فرایند هستند، معرفی می‌کنند.

این دو معتقدند برای ساختن تیمی قوی و برنده باید از رختکن تیم شروع کرد و با پشتیبانی رهبر تیم و مراقبت همیشگی در اوج ماند. اگر می‌خواهید تیمی برنده داشته باشید، از رختکن شروع کنید. این کتاب، راهنمایی فوق‌العاده برای موفقیت شما و تیم‌تان خواهد بود.

بهار ۱۳۹۷

حمیده کارون

## ایجاد فرهنگ برنده شدن

- مایک اسمیت

در ژانویه سال ۲۰۰۸، در مقام سرمربی تیم آتلانتا فالکنز شروع به کار کردم. اغلب اوقات، وقتی سرمربی جدیدی استخدام می‌شود، در آغاز کار، با وضعیت چندان مطلوب و باثباتی مواجه نمی‌شود. جایگزین کردن مربی که تیمش اخیراً برنده‌ی سوپر باول شده است و عملکرد موفقی دارد کاری غیرعادی است، مانند بیل والش<sup>۱</sup> که برنده‌ی سوپر باول xxxiii شد یا بیل کوهر<sup>۲</sup> که بعد از بردن سوپر باول XL، تنها یک فصل دیگر مربیگری تیم خود را به عهده داشت. زمانی که به عنوان مربی تیم آتلانتا فالکنز معرفی شدم، این تیم در وضعیت نامناسبی قرار داشت و از بدو تأسیس تا آن زمان، به سختی برای برد تلاش می‌کرد. در تاریخ ۴۲ ساله‌ی این تیم هرگز اتفاق نیفتاده بود که دو فصل پیاپی برنده شوند. همیشه دلیلی وجود داشت که این تیم نتواند انسجام و ثبات خود را حفظ کند. برای مثال، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷، پنج فرد متفاوت سرمربی این تیم بودند. فصل ۲۰۰۷ فصل بسیار دشواری برای این تیم بود، زیرا سرمربی آن‌ها بعد از ۱۲ بازی، یعنی زمانی که سه چهارم از فصل سپری شده بود، استعفا داد تا به مربیگری تیم‌های دانشگاهی برگردد. کوارتربک<sup>۳</sup> تیم هم، که یکی از محبوب‌ترین بازیکنان لیگ و چهره‌ی تبلیغاتی صاحب امتیاز تیم بود، سر از زندان فدرال درآورد. مالک و مدیران تیم فالکنز در این موارد هیچ تقصیری نداشتند، اما اتفاقاتی تا این حد تأثیرگذار و ناخوشایند می‌توانند فضایی چالش‌برانگیز و ناکارآمد در تیم ایجاد کنند. لازم به یادآوری نیست که فرهنگ تیم کاملاً نابود شده بود.

من و جان بارها و بارها درباره‌ی وضعیت تیم فالکنز گفت‌وگوی تلفنی داشتیم و کاملاً روشن شد که اگر قرار است وضعیت تیم را تغییر دهیم، لازم است روی تغییر فرهنگ آن متمرکز شویم. در عین حال که مربی فوتبال درون من می‌خواست به قلب

---

1. Bill Walsh

2. Bill Coher

۳. Quarterback: پُستی در فوتبال آمریکایی. م